45694 ـ معنای سخن پیامبر ﷺ که: «بیماری منتقل نمی‌شود»

سوال

نص اصلی حدیث بیماری منقل نمی‌شود چیست و منظور از آن چه هست؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

این حدیث با الفاظ گوناگونی روایت شده از جمله لفظی که بخاری (۵۷۷۶) و مسلم (۲۲۲۴) از انس بن مالک ـ رضی الله عنه ـ از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: بیماری منتقل نمی‌شود و نحوست حقیقت ندارد و خوش فالی را دوست دارم گفتند: خوش فالی چیست؟ فرمود: سخن نیک.

همینطور بخاری (۵۳۱۶) از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: بیماری منتقل نمی‌شود و نحوست و هامه و صفر حقیقت ندارد. (هامة: در جاهلیت اعتقاد داشتند استخوان‌های مرده یا روح او پس از مرگش تبدیل به پرنده‌ای می‌شود و بر خانه‌ها می‌نشیند. صفر: در جاهلیت اعتقاد داشتند ماری به نام هامه در شکم جانوران هست که آنان را بیمار می‌کند).

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید: اینکه رسول الله ﷺ می‌فرماید: بیماری منتقل نمی‌شود نفی جنس است و نفی جنس عام‌تر از نفی یک یا دو یا سه مورد است، زیرا به معنای نفی کلی است. بنابراین پیامبر ﷺ انتقال بیماری را کلا نفی کرده است.

عدویٰ یعنی انتقال بیماری از شخص بیمار به شخص سالم، و این همانطور که در بیماری‌های حسی رخ می‌دهد در بیماری‌های معنوی نیز وجود دارد، به همین سبب رسول الله ﷺ می‌فرماید: همنشین انسان بد مانند کسی است که کنار دمنده در کوره‌ی آهنگری بنشیند؛ یا لباست را می‌سوزاند و یا بوی بدش به تو می‌رسد.

بنابراین لا عدوی (بیماری منتقل نمی‌شود) شامل هر دو بیماری حسی و معنوی می‌شود، هر چند برای بیماری‌های حسی آشکارتر است.

و معنای لا طیرة یعنی طیرة به معنای شوم دانستن یک چیز یا یک سخن حقیقت ندارد.

در مورد هامة دو تفسیر موجود است:

نخست اینکه عامه پرنده‌ای است مشهور شبیه به جغد یا خود جغد. عرب معتقد بودند که وقتی کسی کشته شود استخوان‌هایش تبدیل به هامه می‌شود و پرواز در می‌آید و فریاد می‌کشد تا آنکه انتقام خود را بگیرد، و شاید برخی معتقد بودند که روح مرده تبدیل به آن پرنده می‌شود.

تفسیر دوم این است که برخی از عرب می‌گفتند: هامه همان پرنده‌ی معروف (جغد) است، اما آنان این پرنده را نحس می‌دانستند و اگر بر خانه‌ی آن‌ها می‌نشست و آواز می‌خواند می‌گفتند ناله‌ی مرگ است و معتقد بودند این دلیل نزدیکی اجل اوست، که بدون شک همه‌ی این‌ها باطل است.

در معنای صفر گفته شده که منظور ماه صفر است، زیرا عرب این ماه را به ویژه برای ازدواج نحس می‌دانستند. و برخی هم گفته‌اند دردی است در شکم که شتران دچار آن می‌شدند و از یکی به دیگری منتقل می‌شد. بر این اساس عطف صفر بر عدوی از باب عطف خاص بر عام خواهد بود.

اما معنای نزدیک‌تر به صواب این است که منظور از صفر همان ماه صفر است، و منظور پیامبر ﷺ نفی نحوست این ماه است یعنی این ماه نیز مانند دیگر ماه‌ها است که امکان دارد خیر یا شر در آن مقدر شود.

اما نفی این چهار چیز به معنای نفی وجود نیست، زیرا این‌ها موجود است، بلکه منظور، نفی تاثیر است، زیرا تاثیرگزار، الله متعال است. بنابراین هر کدام از این موارد اگر مشخص شود که سببِ چیز دیگر است، آن را سبب صحیح می‌دانیم، و هر کدام که سببی موهوم [و بی دلیل] است، باطل خواهد بود. در این صورت اگر سببی صحیح بود این حدیث به معنای نفی تاثیر ذاتی آن است، و اگر سببی باطل بود، حدیث گذشته به معنای نفی سببیت آن است.

بنابراین، این که رسول الله ﷺ می‌فرماید: لا عدوی، [معنایش عدم وجود ذات آن نیست] بلکه انتقال بیماری موجود است، و دلیل آن سخن خود رسول الله ﷺ است که می‌فرماید: بیمار را بر سالم وارد نسازید یعنی کسی که شترش بیمار است، آن را وارد شتران سالم کس دیگر نکند تا بیماریِ آن منتقل نشود.

و همینطور این سخن رسول الله ﷺ که: از کسی که مبتلای جذام است بگریز، چنانکه از شیر می‌گریزی. جذام بیماری خطرناکی است که به سرعت منتقل می‌شود و بیمارِ خود را از بین می‌برد، تا جایی که گفته‌اند طاعون است. دستور ایشان برای فرار کردن از جذامی برای این است که بیماری او به تو منتقل نشود و این اثبات تاثیر انتقال است؛ اما با این وجود، این تاثیر حتمی نیست و خودش علت تاثیرگذار نیست، و دستور پیامبر ﷺ برای وارد نکردن شتر بیمار در شتران سالم و دوری از جذامی از باب دوری از اسباب است، نه اینکه اسباب به خودی خود موثرند، چرا که اسباب تاثیر ذاتی ندارند بلکه باید از اسباب بلا دوری کرد چرا که الله متعال می‌فرماید: وَلاَ تُلْقُواْ بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ [بقره/ ۱۹۵] (و خود را با دست خود

به هلاکت نیندازید) و نمی‌توان گفت پیامبر ﷺ خود انتقال بیماری‌ها را نفی می‌کند زیرا واقعیت موجود و احادیث دیگر این را ابطال می‌کند.

شاید گفته شود: پیامبر ﷺ هنگامی که فرمود: بیماری انتقال نمی‌یابد مردی گفت: ای پیامبر خدا! شتر مانند آهو کاملا سالم است، ناگهان شتری که گر دارد نزد آن می‌آید و او نیز گر می‌گیرد! پیامبر ﷺ فرمود: پس چه کسی این [بیماری] را به نخستین [شترِ بیمار] انتقال داده؟ اما معنای حدیث این است که این بیماری به امر الله به شتر نخست منتقل شده است، و انتقال بیماری نیز همینطور است، یعنی به امر الله منتقل می‌شود، چرا که یک چیز ممکن است سبب معلوم داشته باشد یا سبب مشخصی نداشته باشد و مبتلا شدن اولین شتر سبب معلوم ندارد جز اینکه به تقدیر الله متعال رخ داده، و مبتلا شدن شتر بعدی سببی معلوم دارد، اما اگر خداوند نخواهد گر نخواهد گرفت و برای همین است که گاه شتری گر می‌گیرد اما دوباره سالم می‌شود و به سبب آن نمی‌میرد و همینطور بیماری طاعون و دیگر بیماری‌ها مسری که وارد یک خانه می‌شود و در پی آن برخی می‌میرند و برخی سالم می‌مانند.

بنابراین انسان مسلمان باید به خداوند توکل کند، به همین سبب وقتی مردی جذامی به نزد رسول الله ﷺ آمده دست او را گرفت و گفت: بخور یعنی از همان غذایی که پیامبر ﷺ از آن می‌خورد چرا که توکل رسول الله ﷺ کامل بود و این توکل در برابر این سبب انتقام مقاوم است.

این جمع میان احادیث (یعنی احادیثی که انتقال را نفی می‌کند و احادیثی که آن را ثابت می‌داند) بهترین سخن در این باب می‌باشد. (برگرفته از شرح کتاب التوحید: ۲/ ۸۰).

بر این اساس، معنای لا عدوی این است که بیماری به ذات خود از بیمار به سالم منتقل نمی‌شود، بلکه به تقدیر الله متعال منتقل می‌شود و همنشینی سالم با بیمار یکی از اسباب انتقال بیماری است اما معنای آن این نیست که حتما این بیماری منتقل خواهد شد، بلکه چنین نمی‌شود مگر به اذن خداوند. برای همین بسیار پیش می‌آید که شخص سالم به بیمار نزدیک می‌شود اما بیماری به وی منتقل نمی‌شود.

والله اعلم.